

#### ۴- چهارطاقی تقاره خانه :

چهارطاقی تقاره خانه بمسافت ده کیلو متری جنوب چهارطاقی که شرح آن گذشت در موقعیت خوش منظری واقع گردیده نقشه آن نیز مانند چهارطاقی قبلی بصورت مستطیل است - ابعاد خارجی آن ۱۰/۹۰ متر در ۸/۴۰ متر و اندازه هر جانب فضای مربع درونی آن پنج متر میباشد و گنبد آن بصورت بسیار نیکوئی محفوظ و سالم مانده است (توضیحات اجمالی مربوط باین چهارطاقی در صفحه ۳۷۳ قسمت ذیل کتاب ذکر گردیده تصویر آن هم در شکل ۲۱۹ - صفحه ۴۴۲ مندرج است .)

چهارطاقی مزبور از سنگهای لاشه طبیعی و ملاط کچ ساخته شده سنگهای روی کار صاف و دست چین گردیده است، در فاصله ۴/۲۰ متری چهارطاقی دیواری به بلندی ۱/۵ متر برپا مانده ظاهر آن متعلق به جایگاه آتش است و پائین تر از آن بقایای ابنیه مسکونی و مخازن مربوط به آتشکده پدیدار میباشد .

#### ۵- چهارطاقی خرمايك :

نام خرمايك ميرساند که در محل مجاور چهارطاقی مزبور نخلستان مهمی وجود داشته است (به صفحه ۱۱۴ متن کتاب مراجعه شود) ویرانه‌های این چهارطاقی در مغرب چهارطاقی تقاره خانه یعنی در جانب دیگر راه بین فراش بند و خوراب واقع شده است که کوره راه فرعی دیگری هم از آنجا بطرف پوشکان منشعب میگردد .

بنای مزبور مشتمل بر چهارطاقی مرکزی بوده که مانند بسیاری آتشکده‌های دیگر دهلیزی چهارسوی آنرا احاطه مینموده است ، اندازه هر ضلع خارجی چهارطاقی مرکزی ۸/۵ متر و هر ضلع درون آن ۵/۱۰ متر - پهناي هر دهانه چهار جانب آن ۴/۵ متر - پهناي دهلیز ۲/۱۰ متر بوده است ، راه روی به درازای ۷/۵ متر و پهناي ۳/۲۰ متر از جانب شمال غربی چهارطاقی منشعب گشته و به بنای فرعی منتهی میشود که مشتمل بر دهلیزی در وسط و دو اطاق در دو جانب دهلیز بوده است .

ابعاد خارجی بنای فرعی بدین قرار میباشد :

درازای ۲۲/۸ متر - پهنا ۶/۱۰ متر - بلندی ۵/۳۰ متر .

محوطه داخلی هر يك از دواطاق در بنای فرعی بدرزای ۷/۲۰ متر و پهنای ۳/۵۰ متر و بلندی ۴ متر بود که دهلیزی مربع (اندازه هر ضلع آن ۳/۵۰ متر) بین آن دو قرار داشت و ارتباط بین راهرو سابق الذکر و اطاقها را تأمین مینمود . آنچه از این بنا باقی مانده عبارتست از سه پایه چارطاقی و قسمتهائی از دیوارهای سراسری بنای فرعی - تمام لنکه طاقها و پوشش بنا و دیوارهای دهلیز اطراف چارطاقی و راهرو بین چارطاقی و بنای فرعی فروریخته از میان رفته است . در این مورد نیز ساختمان بنا از سنگ لاشه و ملاط کچ بوده نمای آنرا از سنگهای لاشه صاف و تراشیده ساخته اند و مانند آنچه در آتشکده های دیگر گذشت چارطاقی اصلی محل نیایش عمومی و دواطاق بنای فرعی یکی جایگاه حفظ آتش مقدس و دیگری مسکن موبد یا مخزن اثاثیه آتشکده بوده است .

## توضیح در باره آتشکده هائی که مهر نرسی

### بنیاد نهاده است :

در صفحات ۱۱۳ و ۱۱۴ متن کتاب اشاره باین موضوع شد که طبق نوشته طبری مهر نرسی وزیر معروف عهد ساسانی<sup>(۱)</sup> در روستای آبروان که زادگاه وی بود آتشکده ای ساخت و نزدیک آنجا چهارده گده جدید آباد کرد و برای هر کدام آنها نیز آتشکده ای بنا نمود و در همین مکان سه باغ ترتیب داد که تمامی آتشکده ها و روستاها و باغها در قرن سوم هجری - زمان تألیف تاریخ طبری - « با حسن حالات هنوز باقی و در دست قومی از پشت او بوده است . »

نظریات مختلف و بررسیهای مربوط باین مطلب ضمن توصیف آتشکده های کازرون و جره و تون سبز و قرآش بند و ویرانه های بنای عهد ساسانی در نزدیک راه کوهستانی که از بالاده به سر مشهد میرود (جاده چاه انجیر) ذکر گردید (صفحات ۱۱۲ تا ۱۱۶ و ۱۱۹ و ۱۲۰ متن کتاب) .

آقای پرفسور واندنبرگ بر اثر ملاحظه آتشکده های پنجگانه در جلگه

(۱) به صفحه ۸۷ متن کتاب مراجعه فرمایند .

جنوبی فراش‌بند پس از نقل نظریات قبلی دانشمندانی از قبیل پرفسور هر تسفلدو آقای گدار (که در صفحات سابق الذکر این کتاب هم مندرج است) و توضیحاتی که در ردّ عقاید و استنباطهای ایشان میدهد چنین نتیجه میگیرد که آتشکده‌های پنجگانه مهرنرسی تماماً در جلگه فراش‌بند ساخته شده و همین پنج آتشکده‌ای است که بمسافت کم از یکدیگر در جنوب فراش‌بند قرار دارد و توضیحات آنها مذکور افتاد<sup>(۱)</sup> و در پایان بحث خود دلایل زیر را می‌آورد:

- ۱- هر پنج آتشکده در یک ناحیه و نزدیک بهم واقع شده است.
  - ۲- در نقشه‌های جغرافیائی کنونی ایران ناحیه جنوب غربی فیروز آباد که شامل جلگه فراش‌بند باشد بنام محال اربعه ذکر گردیده است و این نام محلّ چهارروستائی را که بوسیله مهرنرسی احداث شده است مشخص میکند<sup>(۲)</sup>.
  - ۳- نام برخی از محلهای آتشکده‌های پنجگانه مانند خرما یک که اکنون ناحیه بایر و بی حاصلی است شاید نشانه باغهایی باشد که در زمان مهرنرسی آباد گردیده بود.
  - ۴- چارطاقیهای واقع در جلگه جنوبی فراش‌بند از لحاظ مصالح و شیوه ساختمانی و ابعاد بنا بیکدیگر شباهتهائی دارد.
- علاوه بر نظریه فوق که طبعاً بر بسیاری از نوشته‌ها و نظریات سابق درباره پنج آتشکده احداثی مهرنرسی خطّ بطلان میکشد<sup>(۳)</sup> نکات دیگری هم ضمن مشاهدات پرفسور واندنبرگ از نزدیک معلوم گردیده است که با توجه بمطالب مندرج در این کتاب آنچه در این مورد مناسب بنظر میرسد از مقاله دانشمند نامبرده استخراج و نقل مینماید:

۱- آتشکده تون سبز (همانطور که در صفحه ۳۷۳ کتاب هم اشاره شد) در

۱- در صفحه ۳۷۲ کتاب نیز اجمالاً باین موضوع اشاره شده است.

۲- در جلد دوم کتاب جغرافیا و اسامی دهات کشور (از نشریات اداره کلد آمار و ثبت احوال- چاپ طهران - ۱۳۲۹- ص ۳۱۴) نام دهستان اربعه مشتمل بر ۳۱ ده ضمن توابع فیروز آباد ذکر گردیده است که نواحی جنوبی شهرستان فیروز آباد را دربردارد و جانب غربی دهستان مزبور در ناحیه فراش‌بند واقعست.

۳- البته به عقیده پرفسور واندنبرگ.

حقیقت وجود خارجی ندارد، تون سبز نام تپه‌ای است که تقریباً در جنوب شرقی آبادی قنات باغ واقع می‌باشد و تپه مزبور فقط مشتمل بر کورستان مسلمانان و یک امامزاده است در صورتیکه بقایای ابنیه عهد ساسانی در جانب غربی آبادی قنات باغ قرار دارد.

و نیز به مسافت یک کیلومتر جنوب غربی قنات باغ در محل موسم به گره سر بر فراز مختصر سر بالائی آتشدان سنگی واقع است (به صفحه ۳۷۴ و تصویر شماره ۲۲۰ در صفحه ۴۴۳ مراجعه شود)

در یک کیلومتری شمال آتشدان سنگی مزبور بقایای یک ساختمان با نقشه مربع که اندازه هر ضلع آن  $۱۲/۸۰$  متر می‌باشد پدیدار و فقط قسمت شمال شرقی آن به بلندی  $۷/۷۰$  متر هنوز برجا مانده است.

۲- چهارطاقی کازرون که در سال ۱۳۱۶ خورشیدی بوسیله آقای مهندس ماکزیم سیرو کشف گردید..... در آن موقع هنوز دارای سه پایه و دو لنگه طاق بود (به صفحات ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۴۷۲ مراجعه شود) و امروزه فقط دو پایه آن برجا مانده است..... طول هر ضلع خارجی چهارطاقی مزبور  $۸/۳۰$  متر و اندازه هر ضلع داخلی آن  $۶/۳۰$  متر بوده ابعاد دیوارهای آن  $۱ \times ۲/۲۰$  متر است و از چهار لنگه طاق جوانب آن تنها یکی باقی مانده بلندی هر کدام  $۳/۸۰$  متر و پهنای دهانه هر یک  $۳/۹۰$  متر بوده است. بلندی دیوارها تا زیر گوشوارهای پائین طاق بالغ بر  $۴/۶۰$  متر می‌گردید، از کنبه آن اثری باقی نیست، بقایای دو پایه فرو ریخته یکی به ارتفاع  $۱/۶۰$  متر و دیگری به بلندی  $۰/۸۰$  متر برپا مانده است.

۳- چهارطاقی قرآش بند که دیولافوا و فلاندن کشف نمودند و آقای گدار آنرا از آثار مهر نرسی میداند (و در صفحه ۱۱۵ متن کتاب درباره آن توضیح داده شده است) همانست که بنام چهارطاق ملک در صفحه ۴۸۲ معرفی گردید.

پرفسور واندنبرگ در ضمن بحث خود چنین نتیجه می‌گیرد که تعداد آتشکده‌های واقع بین کازرون و فیروز آباد کمتر از تعدادیست بدین قرار:

۱- آتشکده کنار سیاه ۲- آتشکده نودران (که توضیح آن در آغاز مطالب مستخرجه

از گزارش مورد ذکر پرفسور واندنبرگ (گذشت) ۳- آتشکده بالاده (که بنام آتشکده جره هم معروف است). ۴- آتشکده کازرون. ۵ تا ۹- پنج عدد آتشکده های واقع در جلگه فرآش بند.

دانشمند نامبرده اضافه مینماید که ظاهراً آتشکده های دیگری هم در نواحی مزبور وجود داشته است - چنانچه استخری اشاره مینماید که هر روستائی دارای آتشکده مخصوص خود بود و این حوقل نیز تنها برای شهر کازرون دو آتشکده را نام میبرد.

## آتشکده های دیگری که بتازگی در جنوب ایران کشف شده است :

پرفسور واندنبرگ در زیر عنوان بالا از چند آتشکده دیگر و ابنیه و آثار مختلف عهد ساسانی صحبت میدارد که چند تای آنها یعنی چارطاقهای در باغ و رحمت آباد و علی آباد . (بشرحی که در صفحات ۹۵ و ۹۴ متن کتاب توضیح داده شد) خارج از استان کنونی فارس قرار دارد و از نقل توضیحات مربوط بآنها در این مورد خودداری میشود و آنچه در خاک فارس واقعست بشرح زیر اقتباس و نقل میگردد :

### چارطاق گراته : (۱)

در پائین کوه میمند واقع در شمال شرقی فیروز آباد راهی در حاشیه رودخانه بجانب آبادی دشت دال میرود که در کنار رود قره آقاج واقعست و از آنجا بطرف جهرم و فسا ادامه مییابد ، نزدیک دشت دال ویرانه های بل قدیمی بر روی رود سابق الذکر دیده میشود و بقایای ابنیه دیگری از عهد ساسانیان نیز در همان محل پایدار است ، این راه یقیناً همان راهی است که در عهد ساسانی وسیله ارتباط شهرهای

۱- در صفحه ۱۰۶ متن کتاب ضمن نقل از گزارش اختصاصی پرفسور واندنبرگ اشاره اجمالی به آنچه در این مورد توضیح داده میشود گردیده است

دارا بگرد و فسا به فیروز آباد بود ، امروزه در روی نقشه ناحیه فیروز آباد راه مزبور بنام آتشگاه ذکر گردیده یقیناً در روزگار قدیم آتشکده های متعددی هم در طول مسیر آن برپا بوده است و بر روی همان نقشه نام تنگی آتشگاه در شمال گوشك سرتنگی ذکر گشته است .

چارطاق کراته از سنگهای لاشه ساخته شده به مسافت ۵۰۰ متری دهکده کراته و در یک کیلومتری آبادی گوشك واقع گردیده است - نقشه آن مانند بسیاری ابنیه دیگر نظیر آن مربع بوده بلندی دیوارهای بنا تا زیر گوشوارهای طاق بالغ بر ۴/۹۰ متر میشود ، اندازه هر ضلع چارطاق ۱۰/۵ متر است و در وسط هر ضلع دهانه دری به پهنای ۱/۱۰ متر و بلندی ۳/۲۰ متر وجود دارد ، از طرف داخل در هر چهار سوی چارطاق طرح طاقنما بندی به پهنای ۵/۵۰ متر و بلندی ۴/۵ متر تعبیه شده است ....

### چارطاق زاغ :

قریب سی کیلومتری جنوب شرقی کراته در مغرب آبادی کوچک زاغ چارطاقی دیگری دیده می شود که درازای هر ضلع آن از بیرون ۴/۳۰ متر و از داخل ۳ متر است و در گاهیهائی به بلندی ۱/۶۰ متر و پهنای ۱/۱۰ متر بر هر جانب در وسط دیوار وجود دارد ، بلندی دیوارها ۲/۳۰ متر و کلفتی آنها ۶۵ سانتیمتر بوده قسمتهائی از ضلع جنوب شرقی بنا فروریخته است .

### چارطاق قلعه قلی :

در جانب غربی آبادی قلعه قلی نیز ساختمانی شبیه چارطاقی زاغ موجود است ، پایه های بنای اخیر بصورت انفرادی برپا مانده بفاصله ۲/۱۰ متر از یکدیگر قرار گرفته است و با توجه باینکه کلفتی هر پایه بالغ بر ۷۰ سانتیمتر میباشد طبعاً اندازه هر ضلع چارطاقی ۳/۵ متر میشود .

با احتمال فراوان دوبنای اخیر الذکر چارطاق یا آتشکده آبادیهای کوچک

بوده است .

## چارطاق ظهر شیر :

آبادی ظهر شیر تقریباً در وسط راه فسا و جهرم قرار گرفته در ۴۵ کیلومتری جنوب فسا و ۴۲ کیلومتری شمال جهرم واقع شده است (۱)، چارطاقی نزدیک آن بر فراز تپه‌ای در وسط دره از دور پدیدار می‌باشد.....

طول هر ضلع خارجی چارطاق ۸/۴۰ متر و اندازه هر ضلع داخل آن ۵/۲۰ متر بوده از سنگهای لاشه مطبق آهکی ساخته شده است، اندازه هر یک از پایه‌ها  $۱/۶۰ \times ۲/۲۰$  متر به بلندی ۵ متر می‌باشد، پهنای لنکه طاقهای هر یک از چهار دهانه جوانب چارطاقی ۴ متر و بلندی هر کدام ۳/۴۰ متر است، گنبد آن بوضع قابل توجهی محفوظ مانده است و بلندی آن بالغ بر ۳/۶۰ متر می‌گردد، دهلیز باریکی به پهنای ۸۰ سانتیمتر در چهار سوی گنبد وجود دارد، مجموع بلندی کلیه بنا ۸/۶۰ متر است، به فاصله ۱/۵۵ متر پائین چهارطاق بقایای دیواری به کلفتی ۱/۲۰ متر برج مانده و وضع دهلیزی را که چهار سوی بنا را احاطه می‌کرده است نمودار می‌سازد.....

پرفسور واندنبرگ در پایان مقاله خود یک بار دیگر باین نکته اشاره می‌کند که تجسس علمی ایشان در زمستان سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ پیدایش آثاری از دوران پیش از تاریخ را ببار نیاورده است در عوض اهمیت نواحی مورد تحقیق و تجسس را در عهد ساسانیان با آشکار نمودن وجود بسیاری از ابنیه آن عهد روشن ساخته است و همچنین اهمیت راه قدیم - از لحاظ ارتباط شهرهای مهم عهد ساسانی از قبیل فیروز آباد و دارابگرد و فسا - داشته ضمن همین مسافرت‌های تحقیقاتی معلوم گردیده است و نیز کشف نمونه‌های کاروانسراهای عهد ساسانی در طول راه مزبور موضوع جالبی برای بررسی نوع اینگونه منازل عرض راه در مشرق

۱- در نقشه ضمیمه مقاله پرفسور واندنبرگ محل آبادی ظهر شیر در مشرق جهرم نشان داده شده است، در فرهنگ جغرافیائی ایران (از انتشارات اداره جغرافیائی ستاد ارتش - جلد هفتم ص ۱۵۲) محل آبادی مزبور چنین ذکر گردیده است ۲۷ کیلومتری خاور قطب آباد - یک کیلومتری راه فرعی قطب آباد به فسا، در جلد دوم کتاب جغرافیای اسامی دهات کشور (از نشریات اداره کل آمار و ثبت احوال - چاپ طهران ۱۳۲۹ ص ۲۸۸) ظهر شیر از دههای دهستان کردیان از توابع جهرم نام برده شده است.

قدیم و ارتباط نحوه معماری آنها با کاروانسراهای مشخص دوره اسلامی بشمار میرود. دانشمند مزبور مهمترین حاصل مسافرت خود را کشف آتشکده‌های متعدد و معلوم ساختن وسعت دامنه بناهای مذهبی عهد ساسانی در نواحی مورد بحث میداند و مخصوصاً درباره مجموع ابنیه آتشکده بزرگ کنار سیاه (مذکور در صفحه ۱۰۵ متن کتاب) اهمیت خاصی را قائل بوده معتقد است که آتشکده کنار سیاه در عهد ساسانیان یکی از مهمترین مراکز آئین زرتشتیان در سرزمین پارس بود و احتمالاً یکی از آتش‌های بهرام<sup>(۱)</sup> یعنی آتش يك كوره<sup>(۲)</sup> در آنجا نگهداری می شده است و هیئتی از روحانیان بریاست يك موبد آنرا اداره مینموده‌اند، آتشکده‌های

۱- ... بنا بر درجات زندگی ایلای ایرانیان قدیم آنها نیز درجات داشته‌است. آتشی متعلق به خانه بود و آتشی به عشیره بادیه (آذران) و آتشی بيك قبيله با كوره (بهرام) آتش خانگی را مانع یعنی بزرگتر خانه نگهداری میکرد، برای خدمت آذران لا اقل دو مغ ضرورت داشت، و آتش بهرام راهیستی متعدد بریاست يك موبد بکار بود .....» (نقل از کتاب وضع ملت و دولت و درباره دردوره شاهنشاهی ساسانیان تألیف پرفسور کریستنسن ترجمه و تحریر آقای مجتبی مینوی، چاپ طهران ۱۳۱۴ - صفحه ۹۷)

۲- در زمان ساسانیان فارس به پنج کوره یا خوزه یا تسو تقسیم میشده است - ۱- اردشیر خوره مرکز آن شهر جور یا کور بوده است و در زمان امیر عضدالدوله دیلمی بغیر از آباد معروف گردید... شیراز - کوار - میمند - خفر - قیرو کازرین - سروستان - سیمکان یا سمنکان - جزایر لار - بندر سیراف، از شهرهای معروف و جزو این کوره بوده‌اند - ۲- کوره استخر که مرکز آن شهر معروف استخر بوده وسعت آن از سایر کوره‌ها بیشتر یزد، آباد، یزدخواست، اقلید، سورمق، قهستان، خفرک، رامجرد، مرودشت، ابرج، کامیروز، کربال، بیضا، خرامه، نیریز، خیر وارسنجان همه از توابع این کوره بوده‌اند - ۳- کوره دارابگرد (دارابگرد) مرکز آن شهر داراب، فسا و رونیز - پرگ و تارم - اصطهبانات - ایج و جهرم و جویم نیز ضمیمه آن بوده‌اند - ۴- شاپور خوره - مرکز آن شاپور شامل کازرون و خشت، حره و فامور، فهلیان و ممسنی و نورآباد بوده است - ۵- کوره قبادیا ارکان (ارجان) - رام قباد و رم قباد نیز گفته‌اند - این کوره و کوره شاپور بنام سازندگان آن معروف گردیده از حدود سمیرم تاریخ شهر و بهمان وسعت داشته مرکز آن قباد خسرو در نزدیکی بهبهان بوده است که حالیه خراب و متروک است...» (نقل از تاریخ پارس در عهد باستانی نگارش آقای علی سامی - انتشارات کانون پارس شماره ۳ چاپ شیراز ۱۳۳۳ حورشیدی - صفحات ۲۲ و ۲۳)



مکشوف در جلگه فراش بند بنظر پرفسور و اندیسرک جایگاه آتشیهای آذران  
یعنی آتش ده بوده برای نگهداری هر کدام دو منگ کفایت میکرده است ....

### مسجد جامع داراب (۱)

مسجد جامع داراب شاید بصورت ظاهر چندان آباد و بر رونق بنظر نرسد ولی از لحاظ شیوه  
ساختمان مخصوصی که دارد بنای بسیار جالب توجه و شایسته بررسی فراوان است ، اینجانب تا  
هنکام تدوین مطلب حاضر (بهمن ماه ۱۳۴۱) موفق به بازدید آن نشدم و مانند چند مورد دیگر کتاب  
از کمک و همکاری بسیار صمیمانه و ارزنده دوست گرامی خود آقای منوچهر چهره نگار دبیر فرهنگ  
فارس که در عین حال به پیروی از حرفه بس هنرمندانه و پراچ خانوادگی خویش عکاس بسیار زبردست  
و سراپا علاقه و ذوق هستند استعانت خواستم و ایشان عکسهای متعددی از حوانب مختلف بنای مسجد  
تهیه و ارسال نمودند که با ملاحظه آنها آنچه قبلاً ضمن عکسهای جناب آقای مهندس سیحون دیده  
شده بود بنظر مناسب آمد مرقوم داشت و اینک بشرح زیر معروض میدارد :

در وسط قسمت شمال شرقی محوطه مستطیل و محصوره که چهار سمت آن درختان  
بلند خرما و مرگبات نسبتاً تنومند خود نمائی میکند شبستان مستطیلی قرار دارد که  
طول آن شمال غربی - جنوب شرقی و عرض آن شمال شرقی - جنوب غربی است  
(ش ۲۸۲)، در هر يك از دو جانب طویل تر شبستان یعنی طرف قبله (ضلع جنوب غربی)  
و سمت مقابل آن (ضلع شمال شرقی) ایوان سراسری ساخته اند که ایوان طرف  
قبله بحال خود باقی بوده (ش ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵) ایوان جانب دیگر را با احداث  
دیوارهای نازک در دهانه های رو به محوطه مسجد تبدیل به شبستان زنا نه نموده اند،  
شبستان بزرگ از دو انتهای جانب طویلتر نیز بوسیله دهلیزهای دهانه گشاده ای

۱- نگارنده تا موقع پایان چاپ مطالب ذیل کتاب ( تیرماه ۱۳۴۱) از وضع مسجد جامع  
داراب اطلاعی نداشتم و فقط در پائین یکی از صفحات کوچک یادداشت های شخصی خود که در سال ۱۳۱۷  
مرقوم رفته است این چند کلمه را نوشته بودم . مسجد جامع داراب - نقشه خداخانه ، و کلمات مزبور هم  
یقیناً بر اثر صحبتی که بایکی از علاقمندان بآثار تاریخی پیش آمده بود مرقوم گردیده بعلمت نداشتم  
هیچگونه اطلاع و اطمینانی در این باره نه در متن کتاب و نه در ذیل کتاب مورد استفاده واقع نشد تا  
اینکه در ایام نوروز ۱۳۴۱ جناب آقای مهندس هوشنگ سیحون ضمن مسافرت کوتاهی بفارس از  
مسجد جامع داراب نیز بازدید و عکس برداری رنگی نمودند و نگارنده کتاب پس از ملاحظه عکسهای  
مسجد نامبرده در صدد کسب اطلاعات و تهیه عکسها برآمده توضیحاتی را که مناسب میدانست  
بشرحی که در بالا ذکر میشود تدوین و در این قسمت کتاب به محضر علاقمندان اینگونه مباحث  
عرضه نمود .

به فضای مسجد مربوط می گردد (ش ۲۸۶ و ۲۸۷) و در دو جانب دیگر دهلیزها هم اطاق یا محلهای کوچکتر برای نماز گزاران قرار دارد، چهار منارهٔ تفومند نسبتاً کوتاه آجری در چهار گوشهٔ مجموعهٔ بنای مستطیلی مزبور (که مشتمل بر شبستان و ایوان و دهلیزها و اطاقها باشد) برپا و استوار است و بدنهٔ آنها را بوسیلهٔ خانه بندیهای مربع و مستطیلی شکل روسازی نموده اند که داخل خانه بندیهای مستطیل مزین به آجر کاریهای خفته و راسته یا طرح لوزی و داخل خانه بندیهای مربع مزین به خطوط کوفی بنائی حاوی کریمه های لا اله الا الله و محمد رسول الله و جملات اول آیهٔ مبارکه کرسی است (ش ۲۸۸ و ۲۸۹)

بامختصر دقت در وضع تزئینات مناره ها معلوم میگردد دو مناره ای که در دو گوشهٔ شرقی و شمالی بنا ساخته شده است (ش ۲۸۸) در خانه بندی و تزئینات آجری آنها با دو منارهٔ گوشه های جنوبی و غربی (ش ۲۸۹) اختلافاتی وجود دارد که ذکر جزئیات آن از حوصلهٔ این کتاب بیرون و نیازمند موقع مناسب مخصوصی است.

داخل محوطه، مقابل دهانهٔ وسط ایوان موجود منبری از گچ و آجر ساخته اند و حوض آب بزرگی هم پشت منبر قرار دارد.

محراب در داخل شبستان پشت دیوار قسمت وسط ایوان موجود سابق الذکر با تقسیم بندیهای متناسب و گچریهای ساده و زیبا جلوه گر است (ش ۲۹۰).

سقف ایوانهای سرتاسری از سقف شبستان کوتاه تر بوده پوشش دو دهلیز طرفین شبستان و اطاقهای مجاور آنها نیز گنبدی و ضربی است و کوتاه تر از شبستان اصلی می نماید.

بطوری که ملاحظه می گردد وضع ساختمان مسجد داراب ترکیب مخصوصی است که با مساجد معمولی ایران اختلاف دارد و هلهٔ اول بنظر بعضی اشخاص ممکن است تا اندازه ای شبیه به بنای خداخانهٔ مسجد جامع شیراز برسد و این هم

امر نادرستی نیست لیکن بیش از آنچه به بنای خداخانه شیراز شبیه باشد با بعضی ساختمانهای اسلامی هندوستان و بخصوص باینای زیبا و معروف آرامگاه اعتمادالدوله طهرانی<sup>(۱)</sup> در آگرا (Agra) شباهت دارد که در خلال سالهای ۱۰۳۲ تا ۱۰۳۷ هجری بفرمان دخترش نورجهان ملکه ایرانی معروف هندوستان احداث گشته است (ش ۲۹۱).

بلندتر بودن پوشش شبستان مسجد جامع داراب نسبت به پوشش ایوانها و اطاقهای جوانب شبستان و خانه بندی های مربع شکل بدنه خارجی مناره ها و همچنین کوتاهی نسبی و ستبری مناره ها عوامل مشترك موجود بین مسجد جامع داراب و آرامگاه اعتمادالدوله طهرانی در آگرا بوده باطمینان میتوان گفت که سازنده مسجد جامع داراب به وضع ساختمان و طرح معماری آرامگاه اخیرالذکر آشنائی و توجه داشته است (ش ۲۹۲) و همانند مرد کم ثروتی که خواسته باشد شبیه بنای بسیار مزبّنی را بسازد مسجدی از آجر به شیوه بنای بس عالی و سراپا مزبّن از کاشیکاری عالی و سنگهای گران قیمت مرمر بنیاد نهاده است و با توجه باینکه آرامگاه اعتمادالدوله در خلال سالهای ۱۰۳۲ تا ۱۰۳۷ هجری یعنی اواخر سلطنت شاه عباس اول بنا گشته است بجزئیّت میتوان تصوّر نمود که مسجد جامع داراب مدت کمی بعد از آرامگاه اعتمادالدوله یعنی در زمان سلطنت شاه صفی اول (۱۰۳۸ تا ۱۰۵۲ هجری) یا در دوران پادشاهی شاه عباس دوم (۱۰۵۲ تا ۱۰۷۷ هجری) ساخته شده باشد، از قراریکه آقای منوچهر چهره نگار در قبّال استفسار نگارنده مرقوم داشته اند نزدیک به روی درب ورود بزرگ مسجد جامع داراب لوحه سنگی در ارتفاع دو یا دو متر و نیمی از

(۱) میرزا غیاث الدین محمد طهرانی خزانه دار و صدراعظم جهانگیرشهریار معروف هندوستان (معاصر شاه عباس اول) ملقب به اعتمادالدوله از بزرگ زادگان طهران بود که با زن و فرزندان خود عزم رحیل هند نمود و خود و خانواده اش سرگذشت افسانه مانند پیدا کردند - دخترش نورجهان به همسری جهانگیر درآمد و پسرش آصف خان پس از فوت پدر حاشین وی گردید و دختر آصف خان بنام ممتازمحل همسر شاه جهان هندی شد که بفرمان وی بنای معروف و منحصر تاج محل را بر آرامگاه همسرش در آگرا ساخته و پرداخته اند و شهریار مزبور نیز در کنار همسر خویش در تاج محل بخواب ابدی غنوده است.

کف زمین بر جبهه خارجی دیوار شمالی شبستان نصب بوده که تاریخ بنای مسجد و وقفنامه مربوط با آنرا در برداشته است و چون لوحه در محل خود نیست تاریخ قطعی ساختمان مسجد را نمیتوان معین نمود و اگر قرائنی بدست آید که معلوم سازد بنای مسجد جامع داراب قدیمتر از آرامگاه اعتماد الدوله است ( و چنین امری بعقیده نگارنده بدلایلی چند از نظر دور نمی نماید ) البته بر اهمیت آن از لحاظ چگونگی تأثیر و نفوذ معماری ایران در هند بسی افزوده خواهد شد و نظریات معروض در سطور سابق تغییر یافته تصحیح خواهد گردید .

با توجه با آنچه گذشت چنین برمی آید که هر چند بنای مسجد جامع داراب جنبه معماری و هنری فوق العاده ندارد و اساساً بطوریکه از ظواهر امر برمی آید نما سازیهای مناره ها و قسمتهائی از ریزه کاریهای مسجد ناتمام مانده بوده است (۱) لکن از لحاظ وضع ساختمان مخصوص آن که بشرح بالا به بنای مهم آرامگاه اعتماد الدوله شباهت دارد ارتباط و پیوستگی بیشتر فرهنگ و هنر دو کشور باستانی ایران و هند را در قرن یازدهم هجری میرساند و بهر صورت شیوه معماری مشترک ایران و هند و نمونه کارهای استادان ایرانی توأم با تأثیر معماری هندوستان در هند و بنا نمودار است و این ارتباط هنری و فرهنگی امر تازه ای نبوده بشرحی که در مقدمه کتاب اشاره شد عوامل پایندگی چنین پیوستگی همواره باقی و برقرار است .

## ذکر برخی زیارتگاهها و اماکن متبرک و مساجد فارس که نا گفته مانده بود

همانطور که در آغاز قسمت ضمیمه کتاب اشاره شد ضمن عکسهای که آقای مهندس هوشنگ سیحون در مسافرت خود در فروردین ماه ۱۳۴۱ از آثار مختلف فارس برداشته و در بازگشت بطهران به نگارنده کتاب ارائه نمودند محلهائی بنظر رسید که اشاره بنام و مکان آنها را در این کتاب بمورد دانست و اینک بشرح زیر بمعرفی اینگونه اماکن میپردازد :

### بنای امامزاده در ایزدخواست :

هنگامیکه از اصفهان به ایزدخواست میرسند پیش از پیچیدن راه بطرف

(۱) بواسطه بی سامانی و ناساعد بودن اوضاع قسمتهائی از فارس و از جمله ناحیه داراب در اواخر سلطنت صفویه و سالهای پس از آن که فقدان سند تاریخ و وقفنامه هم از اثرات همین قسمت نظر میرسد .

سراشیمی پائین قلعه قدیمی در جانب چپ جاّه بقعه‌ای با کنبدکاشی که چندان خیز (ارتفاع) ندارد بنظر میرسد، منظر خارجی بنا اهمیت تاریخی و هنری قابل ذکری را نشان نمیدهد و از هیئت کنبد بنظر میرسد مربوط به عهد صفویه - قرن یازدهم هجری - باشد.

### امامزاده زاهد در زاهدان نزدیک فسا:

در زاهدان نزدیک فسا بقعه‌ای سفیدرنگ با کنبد بزرگ کاشی سفید و فیروزه ( بطرح خانه‌های مربع که در اصطلاح عموم شطرنجی نامیده میشود) وجود دارد که امامزاده زاهد نامیده میشود.

از هیئت خارجی بنا چنین بنظر میرسد که اصل آن از عهد مغول (قرن هشتم هجری) بوده در ادوار بعدی تعمیر شده است و بتازگی نیز کنبد آنرا بسبک شیوانی که توضیح آن گذشت کاشیکاری و تزئین نموده‌اند و رویهمرفته وضع ساختمانی و بزرگی کنبد و طرز کاشیکاری آن بقعه مزبور را دارای طرح خاص بسیار جالب و دیدنی و خوش تر کیب نموده است.

### بقعه سید شمس‌الدین بیرون شهر فسا:

به مسافت چند کیلومتری فسا بر سر راه داراب امامزاده‌ای بنام سید شمس‌الدین با کنبدکاشی فیروزه قام وجود دارد و در درخت سرو نیز در مجاورت بقعه بر زیبایی و منظر روحانی آن افزوده است و وضع بقعه میرساند که مربوط به عهد صفویه حتی پیش از آن بوده در ادوار بعدی تجدید و مرمت گردیده است.

### امامزاده پیرمراد نزدیک داراب:

هنگامیکه از فسا بداراب میروند در حدود سه کیلومتر مانده بداراب بقعه‌ای بنام امامزاده پیرمراد در کنار صخره کوهستان با منظر جالبی دیده میشود که دارای کنبدی شبیه تخم مرغ بر فراز بدنه بلندی است و در مناره آجری جلو آن قرار دارد و از هیئت ظاهری بنا بر میآید که چندان قدیمی

نیست و اگر اثر تاریخی و باستانی در آن باشد اطلاع درباره آن نیازمند دقت و بررسی از نزدیک خواهد بود .

### شاهزاده ابو القاسم ابن موسی ابن جعفر در داراب:

امامزاده تازه سازی بنام فوق در داراب موجود است که اگر اثر قدیمی هم داشته باشد چون چیزی در عکس آن مشهود نشد نتوانست درباره آن اظهار نظر نماید و اطلاع بیشتر در این مورد بستگی به ملاحظه و بررسی از نزدیک دارد .

### بقعه پیرمراد در اصطهبانات:

بنمای نسبتاً مجللی بنام امامزاده پیرمراد با کنبه کاشی سفید که مزین به نقوش طرح لوزی است در اصطهبانات وجود دارد ، دو مناره کوچک و ایوانی در جلو آن واقع و تا حدی به بقعه شاه چراغ شباهت یافته است . حوض درازی نیز در محور بقعه ساخته اند که بر زیبایی آن میافزاید .

### مسجد جامع اصطهبانات:

آنچه از روی عکسهای داخل مسجد جامع اصطهبانات معلوم میشود محرابی از عهد صفویه (قرن یازدهم هجری) با کچبریهایی ظریف و ریزه کاری دقیق در کنار شبستان مسجد مزبور وجود دارد که بر اثر دودزدگی متمادی و شدید سیاه گردیده است و منبری هم در نزدیک محراب هست و بدینقرار رویهمرفته اثر مهمی بشمار نمیرود .

### آرامگاه منسوب به شمس در اصطهبانات:

در اداره فرهنگ اصطهبانات آرامگاهی است که بنام شمس خوانده میشود ولی درباره شخصیت صاحب قبر اطلاعی بدست نیامد .

### بقعه شاه شاهان در جهرم:

زیارتگاهی بدین نام در جهرم هست که دارای کنبه آجری و کاهگلی

بوده در گوشهٔ صحن نسبتاً وسیعی قرار دارد و از روی عکس آن بنظر نرسید که جنبهٔ تاریخی و هنری قابل توجهی داشته باشد.

#### بقعهٔ شاهزاده حسین در جهرم:

زیارتگاه دیگری هم بنام امامزاده شاهزاده حسین در جهرم موجود است که گنبد آنرا بتازگی کاشیکاری کرده‌اند و در ایوان آن مخصوصاً در نزدی بندهای سقف ایوان نقاشیهای عهد صفویه باقی و پایدار است و از این لحاظ تا حدی اهمیت هنری و تاریخی دارد.

#### مسجد جامع جهرم:

مسجیدی است با وضعی ساده و ایوانی هم جلو آن ساخته‌اند و اهمیت مخصوصی از لحاظ سبک ساختمانی و جنبهٔ تاریخی در آن بنظر نرسید.

#### بقعهٔ شاهزاده امدالدین در جهرم:

این زیارتگاه دارای گنبد آجری ساده و بلندی شبیه گنبد بقعهٔ شاهزاده عبدالمهین در ریشهر (ش ۲۴۶) بوده و از آثار بالنسبه جالب توجه متبرک و دیدنی جهرم است و تصور نمیرود پیشینهٔ تاریخی آن چندان زیاد باشد.

#### امامزاده سید محمد در بیشاپور:

در گوشه‌ای از ویرانه‌های شهر شاپور (بیشاپور) بقعهٔ کوچکی با گنبد کوچک کاشی بنام امامزاده سید محمد هست که احتمالاً مربوط به عهد صفوی و شاید هم قدیمتر باشد.

#### امامزاده پیر در سرمشهد:

نزدیک نقش برجستهٔ معروف سرمشهد (به صفحات ۱۱۶ و ۱۱۷ و تصاویر شماره ۱۷۸ و ۱۷۹ مراجعه شود) بقعهٔ ساده‌ای بنام امامزاده پیر موجود است که آنرا با سنگ و گچ ساخته‌اند و طاق ضربی بزرگ یک‌پوشه بر فراز آن زده‌اند و هیچگونه تزیین و اهمیت مخصوص تاریخی و هنری ندارد.

### امامزاده در کمارج :

آبادی کمارج بین کازرون و کنار تخته واقعست ، در کمارج بنای امامزاده‌ای وجود دارد که آنرا با سنگ ساخته‌اند و کنبدی مدور بر فراز بنائی که بصورت چند پله بزرگ بنیاد گردیده است استوار نموده‌اند و بطور کلی معماری محلی جالب توجهی در هیئت خارجی بنا مشهود میگردد و بنظر نمیرسد که قدمت آن چندان زیاد باشد .

### ویرانه‌های پل قدیمی در راه کازرون به بوشهر :

بر سر راه کازرون به بندر بوشهر یازده کیلومتر پیش از رسیدن به دالکی (دالکی تقریباً در نیمه راه کازرون - بوشهر قرار دارد) ویرانه‌های پل قدیمی هست که برای علاقه‌مندان بآثار معماری کهن شایسته توجه و بررسی است .

### امامزاده نزدیک امامزاده عبدالمهیمین (شبه جزیره بوشهر) :

علاوه بر امامزاده عبدالمهیمین که طی صفحات ۴۲۶ و ۴۲۸ بدان اشاره شد (ش ۲۴۶ - صفحه ۴۶۰) امامزاده دیگری در نزدیکی همان بقعه وجود دارد که کنبه آن کوتاهتر و کم‌خیزتر از کنبه امامزاده عبدالمهیمین است و در ردیف کنبه‌های معمولی عهد صفویه بوده از وضع هیئت خارجی آن برمیآید که به دوران اخیرالذکر یعنی قرن یازدهم هجری مربوط و متعلق باشد . آنچه بر اثر مشاهده عکسهائی که آقای مهندس سیحون از مسافرت سابق‌الذکر خود در فارس برداشته بودند مناسب بنظر رسید در سطور گذشته توضیح داده شد و اینک اطلاعات چند دیگر درباره برخی از امکنه و آثار تاریخی فارس مرقوم میگردد .

### آثار تاریخی ارسنجان :

ارسنجان نام شهر کوچکی است که در جاب جنوب شرقی سعادت آباد (مذکور در صفحات ۸ و ۱۶ و ۱۷ کتاب) واقع شده است و برای رفتن بآنجا هم از سعادت آباد و هم از جلگه خفرک (مذکور در صفحه ۱۸ کتاب) میتوان باسجام منظور نائل آمد - در کتاب آثار عجم (ص ۲۴۱) درباره ارسنجان چنین مینویسد :

« ارسنجان ..... مساجد بزرگ و با صفا دارد و مدرسه باشکوه و زیبا که در زمان شاه سلطانحسین صفوی بنا نهاده شده بریاست ..... »



هنکام تدوین مطالب قسمت ضمیمه کتاب تصادفاً با آقای دکتر مصطفی رئیس السادات (از دبیران وزارت فرهنگ و معاون دفتر فنی اداره کل انتشارات و رادیو) که خود از مردم ارسنجان هستند از سابقه تاریخی آن محل صحبت شد و ایشان بنا بر تقاضای نگارنده مطالبی در این باره نوشته با اختیارم گذاردند که عیناً در اینمورد نقل مینماید :

« ارسنجان - در چهار فرسنگی شرق سعادت آباد فارس شهر ارسنجان واقع است . این شهر در میان دره‌های است و شمال و جنوب آن دو رشته کوه فرعی سر کشیده که از رشته کوه‌های زاگرس ریشه گرفته اند این دو کوه از نیمه تنه بیابا پوشیده از درختان جنگلی است . در غرب ارسنجان یعنی در راه میان سعادت آباد و ارسنجان جنگل بزرگی است که از دو طرف کوه‌های پوشیده از درخت نیز آن را احاطه کرده است ارسنجان از جنوب شرقی به خفرك راه دارد و در این راه دهکده‌های بسیاری هست که به توابع ارسنجان معروف اند این دهکده ها تا دهکده‌های معروف به کربال که از بند امیر آب میگیرند امتداد دارد .

« در شمال شرقی ارسنجان دره بسیار طولانی است که میان و کوه‌های پیرامون آن پوشیده از درختان جنگلی است و این جنگل تا حوالی کرمان امتداد دارد . این دره بنام «تنگستان» خوانده میشود .

« درختان جنگلی ارسنجان بیشتر پسته و بادام کوهی است . پسته کوهی را بزبان محلی «پنه» و بادام کوهی را «الوك» میگویند . ارسنجان دارای رشته قنات‌هایی است که شهر و زمین‌های زیر کشت آنرا آب میدهند و همه از شرق ارسنجان سرچشمه میگیرند .

« ارسنجان در حدود ده هزار جمعیت دارد و تاپیش از تقسیمات جدید جغرافیائی این شهر مرکز حکومت نشین وسیعی بوده که از مرو دشت تا ده بید و از کربال و خرامه و خفرك تا آباده طشت در قلمرو آن بشمار میرفته است .

« ارسنجان دارای يك مدرسه قدیمی است که نمای آن از سنگهای بزرگ تراش ساخته شده و بمانند سگوی بسیار زیبایی در میان شهر خود نمائی میکند و از آثار بسیار ارزنده زمان صفوی است و از روی سبك خاص و علمی آن روزگار

معماری شده و دروضع خود بیمانند است .

«و نیز در ارسنجان دو مسجد بزرگ بنامهای «مسجد جامع» و «مسجد بالا» وجود دارد و هر دو دارای شبستان بزرگ و نمازگاه های عالی و زیبا هستند .  
در تپه های جنوب شرقی ارسنجان نقش هایی بر سنگ و جود دارد و نیز در تپه های شمال شرقی آن آثاری از بناهای قدیمی بچشم میخورد و نمونه هایی از کوره های ذوب فلز و شیشه سازی پیدا شده که میرساند این شهر در روزگار گذشته آبادتر ازین بوده است و شاید آثار باستانی در آنجاها بتوان پیدا کرد» .  
مدرسه قدیمی مذکور درسطور فوق که بشرح سابق الذکر در کتاب آثار عجم نیز بدان اشاره رفته است بنام «مدرسه سعیدا» یا «مدرسه سعیدیه خوانده می شود» .

در کتاب آثار عجم اشاره به لوح مزار خیلی بزرگی هم میکند که در قبرستان ارسنجان وجود داشته و نام طهماسب بر آن مرقوم رفته بوده است و «میگویند این شخص شاهی بوده که شش ماه در آنجا سلطنت نموده ولی معلوم نشد که از چه سلسله و در چه زمان بوده است» (۱) .

### شکفت ضحاک

مؤلف آثار عجم در ضمن معرفی «آثاری که در ارسنجان و توابع آن است» چنین مینویسد : « از جمله شکفت ضحاکست مایل بطرف جنوب قصبه بمسافت دو فرسنگ و نیم میگویند چون فریدون ضحاک را دستگیر ساخت قبل از آنکه او را در کوه دماوند حبس نماید چندی هم در اینجا محبوسش داشت و این شکفت از جاهای غریب و عجیب است بسیار بزرگ و طولانی و عمیق بمحض اینکه داخل آن شوند وحشت عظیمی روی میدهد که بسی هولناک است . رو بعقب آن جز با جمعیت و با چراغان متعدده نمیتوان رفت اما بعضی که رفته اند انتهای آنرا یافته اند...» (۲)

بانوجه به موقعیت محل بخوبی میتوان دریافت که ناحیه مزبور اعم از شهر

(۱) - کتاب آثار عجم - ص ۲۴۲ (۲) همان کتاب و همان صفحه .

و توابع ارسنجان و نقاط اطراف و دور و نزدیک آن نیز از جمله محلّهای مختلف شایسته تحقیقات و بررسیهای تاریخی در استان فارس محسوب میگردد.

## اطلاعاتی درباره برخی آثار تاریخی شمال فارس که در تابستان ۱۳۴۱ مورد بازدید و بررسی پرفسور واندنبیرگ قرار گرفته است

در مرداد و شهریور ۱۳۴۱ پرفسور واندنبیرگ بلژیکی برای ادامه بررسیهای تاریخی و باستانشناسی خود باردیگر بایران آمد و با موافقت و همکاری مقامات مختلف ایران مسافرتی بنواحی شمال و مغرب فارس نمود و مجدداً سفر کوتاهی هم به فیروزآباد کرد. آقای حسین کریمی از مأموران فنی اداره کل باستانشناسی از طرف آن اداره همراه پرفسور نامبرده بود و پس از پایان مسافرت مزبور بنابر درخواست نگارنده بدستور جناب آقای حسن مشحون سرپرست اداره کل باستانشناسی رونوشتی از گزارش مأموریت آقای کریمی با اختیار اینجانب گذاره شد و وظیفه خود میدانم در این مورد مانند موارد دیگری که از اینگونه مساعدتهای ذیقیمت بهره مند بوده‌ام مراتب سپاسگزاری صمیمانه خود را معروض دارم پرفسور واندنبیرگ نیز طی نامه کوتاهی چند عکس از آثار مورد بررسی اخیر خود را جهت نگارنده فرستاد که از آن جهت هم امتنان کامل اظهار مینمایم و آنچه در این باره طی سطور آینده بعرض خوانندگان گرامی میرسد با استفاده از گزارش و عکسهای مزبور تهیه گشته و مذکور افتاده است:

پرفسور واندنبیرگ در نامه مورخ ۲ دیماه ۱۳۴۱ خود نتایجی را که از مسافرت فوق بدست آورده بشرح زیر یاد نموده است:

- ۱- مشخص کردن راههای باستانی در قسمت شمالی فارس.
- ۲- مشاهده و بررسی ویرانه‌های کاروانسرای از آغاز دوران اسلام در گوشک زرد<sup>(۱)</sup> که با استفاده از مصالح ساختمانهای پیش از اسلام (پایه‌های سنگی-

(۱) نام این محل در صفحه ۳۲۷ کتاب حاضر گوشک زرد ذکر شده است. در کتاب سرزمینهای خلافت شرقی تألیف لسترنج Le strange ترجمه آقای محمود عرفان شماره ۱۵ مجموعه ایرانشناسی - (از انتشارات بنکاه ترجمه و نشر کتاب - چاپ طهران ۱۳۳۷ - صفحه ۳۰۲) بنام گوشک زرد معرفی گردیده ضمناً اشاره شده است که در فارسنامه این بلخی آنرا بصورت گوشک زرد ذکر کرده‌اند.

تخته سنگهای تراش بزرگ) آنرا ساخته بودند .

۳- اطلاع بوجود نیایشگاه مهم و معتبری از دوره ساسانیان با نوشته پهلوی در تنگ جلو .

۴- پنج پایه جایگاه آتش در سمیرم .

۵- بقایای يك چارطاق در موک (ش ۲۹۳) بر سر راه شیراز و فیروز آباد پس از گذشتن از کوار (۱) .

۶- توجه به نقش برجسته سنگی عهد اشکانی در بیدزرد (۲) .

۷- بررسی نقش برجسته سنگی در هنگ (بضم ه) نروزی (۳) (که برخلاف نظریه عمومی مبنی بر انتساب آن به عهد ساسانی مربوط به عهد مزبور نبوده و متعلق بدوره اشکانی است) .

۸- بررسی مفصل نقوش برجسته دوران عیلام در مال امیر .

از مطالب هشتگانه بالا دو قسمت آخر آن چون مربوط به ناحیه بهبهان و استان خوزستان میباشد در اینمورد توضیحی درباره آنها داده نمیشود و راجع به آنار دیگر ضمن نقل قسمتهائی از گزارش مورخ ۱۹/۷/۴۱ آقای حسین کریمی مأمور فنی اداره کل باستانشناسی (که بشرح سابق الذکر رونوشتی از آن با اختیار اینجانب گذارده شده است) اطلاعات مفید بیشتری در صفحات بعدی از نظر خوانندگان محترم و علاقه‌مند میکند .

(۱) - در کتاب جغرافیا و اسامی دهات کشور جلد دوم (از نشریات اداره کل آمار و ثبت احوال - چاپ طهران ۱۳۲۹) - ص ۳۱۵ - ده موک از دهستان خواجه از توابع فیروز آباد معرفی شده است - آقای حسین کریمی با همکاری خانم فاطمه مهران در تحصیل این اطلاع و ملاحظه نام موک در کتاب مزبور با اینجانب یاری فرموده‌اند .

(۲) در همان کتاب (ص ۲۵۶) بید زرد سفلی و بید زرد علیا از دهات دهستان حومه (قرا باغ) شیراز معرفی گردیده است - آقای حسین کریمی با همکاری خانم فاطمه مهران در این مورد نیز مانند آنچه درباره موک توضیح داده شد ابراز مساعدت فرموده‌اند .

(۳) در گزارش آقای کریمی که با اداره کل باستان شناسی تسلیم داشته‌اند نام این محل هنگ یا هنگ اژدر ذکر شده است .